

بررسی حقوق اقتصادی زنان (نفقه و مهر) و استقلال مالی زوجین در ایران

مهناز دشتیان

کارشناس ارشد حقوق خانواده، مدرس دانشگاه پیام نور رستم، ایران

چکیده

در واقع، خانواده یک اجتماع کوچک و دارای ویژگی خاص خود است چنانچه نظام خانواده مختل و دچار هرج و مرج گردد، بر کل اجتماع تأثیر مستقیم و غیرقابل جبرانی خواهد گذاشت. یکی از امور لازم برای بقای خانواده، تامین مایحتاج زندگی است که پرداخت «نفقه» از سوی مرد، نقش مهمی را ایفا می‌کند. از اینرو برخی حقوقدانان، نفقه را به دلیل برقراری «نظم خانوادگی» مهم می‌دانند؛ خانواده هسته اصلی هر اجتماع است و نظم در آن بستگی کامل با نظم عمومی دارد. بنابراین، اشخاص نمی‌توانند در قراردادهای خصوصی، قواعد حاکم بر خانواده را بر هم زنند و حقوق و تکالیف دیگری برای خود معین کنند. مهر یا مهریه عبارت از مال معینی که بر سبیل متعارف، زوج به زوجه در عقد نکاح می‌دهد یا به نفع زوجه بر ذمه می‌گیرد. از نظر حقوقی مهر یا صداق مالی است که زن بر اثر ازدواج مالک آن می‌گردد. مهریه از حقوق مسلم مالی زن محسوب شده و زن در هر زمان بعد از عقد و به صلاحدید خود و بدون اطلاع و اجازه مرد می‌تواند در مهریه خود هر نوع تصرفی انجام دهد یا آن را به هر کسی که می‌خواهد ببخشد و شوهر حق مداخله در این‌گونه تصرفات زن را ندارد.

واژه‌های کلیدی: زوجین، استقلال مالی، مهر، نفقه، حقوق زنان.

مقدمه

گفتار اول: مفهوم شناسی: مفهوم مهر در قانون مدنی

قانونگذار تعریفی از مهر ارائه ننموده، فقط در ماده ۱۰۸۲ قانون مدنی آمده است: «به مجرد عقد، زن مالک مهر می شود و می تواند هر نوع تصرفی که بخواهد در آن بنماید». البته طبق ماده ۱۰۹۲ ق. م. «هر گاه شوهر قبل از نزدیکی زن خود را طلاق دهد زن مستحق نصف مهر خواهد بود و اگر شوهر بیش از نصف مهر را قبلاً داده باشد حق دارد مازاد نصف را عیناً یا مثلاً یا قیمتاً استرداد کند». لذا مالکیت زن نسبت به نصف مشاع مهر، مالکیت متزلزل است و با تحقق نزدیکی، مستقر و ثابت می شود (صفایی؛ امامی، ۱۵۶: ۱۳۶۹). به نظر مشهور فقها فوت شوهر بعد از عقد و قبل از نزدیکی در استحقاق زن نسبت به کل مهر موثر نمی باشد (شهید ثانی، ۱۰۰: ۱۳۰۸). مطابق ماده ۱۰۹۳ قانون مدنی اگر برای زن در هنگام عقد ازدواج دائم، مهریه تعیین نشده باشد، هنگام طلاق در صورت عدم نزدیکی، زن مستحق مهرالمتعه و در صورت نزدیکی مستحق مهرالمثل می گردد. (دورانت؛ ویل، ۴۴۱: ۱۳۷۰) همچنین در ماده ۱۰۸۷ قانون مدنی آمده است: «اگر نکاح دائم مهر ذکر نشده یا عدم مهر شرط شده باشد نکاح صحیح است و طرفین می توانند بعد از عقد، مهر را تعیین کنند و اگر قبل از تراضی بر مهر معین، بین آنها نزدیکی واقع شود، زوجه مستحق مهر المثل خواهد بود». (صفایی و امامی، ۱۶۳: ۱۳۶۹).

گفتار دوم: نظر فقها درباره ی سبب وجوب نفقه

فقها درباره ی سبب وجوب نفقه ی زن بر مرد، دیدگاه های متفاوتی دارند یک دسته سبب وجوب نفقه ی زن بر مرد را تمکین زن می دانند، هر چند در تعریف تمکین میان گروه اختلاف وجود دارد: در مذهب شافعی، تمکین زن با دو امر تحقق می پذیرد؛ نخست آنکه زن خود را در اختیار همسرش قرار دهد و دوم رضایت زن مبنی بر حرکت و انتقال با همسرش به سرزمین دیگری البته به شرط امنیت مسیر. پس اگر زن اجازه ی بهره ی جنسی را به شوهرش داد اما از نقل و کوچ همراه وی، خودداری کرد نفقه ی او بر همسرش واجب نمی شود، زیرا تمکین به صورت کامل تحقق نیافته است. (گلدوزیان، ۲۹۱: ۱۳۸۵) در مذهب مالکی و امامیه، تمکین با صرف بهره ی جنسی محقق می شود؛ یعنی با صرف کامجویی نفقه واجب می شود؛ البته به شرطی که زن بالغ بوده و توانایی انجام عمل جنسی را داشته باشد. دیدگاه دوم: این نظر از آن ابوحنیفه و پیروان ایشان است، از دیدگاه فقهای حنفی، سبب وجوب نفقه منع و بازداشت زن در خانه است، بدین معنا که چون زن با عقد نکاح در اختیار مرد قرار می گیرد و در راستای منافع و مصالح شوهرش فعالیت می کند در عوض از حق تأمین نیازمندی ها برخوردار می شود. و زنانی که در بیرون از منزل، عهده دار شغل هایی هستند نفقه ی آنان بر بیت المال واجب می شود، زیرا در جهت منافع و مصالح دولت می کوشند. بنظر سرخسی به نظر ایشان بعد از جاری شدن صیغه ی عقد، آثار عقد بر آن مترتب می شود؛ یکی از مهم ترین پیامدهای این عقد، پرداخت مهریه و تأمین نفقه است (لنگرودی، ۲۵: ۱۳۸۶).

گفتار سوم: شرط ضمن عقد «سقوط نفقه» در عقد دائم

یکی از مسائل مهم «حقوق خانواده» از نظر اسلام، الزام مرد به دادن نفقه است. فقهای اسلام به این مطلب، در ضمن «کتاب النکاح» تاکید دارند (آخوندی، ۱۳۸۲، ص ۲۰۰). از طرف دیگر، زن و شوهر می توانند در ضمن عقد ازدواج شرط یا شروطی را به عنوان «شرط ضمن عقد» در مقابل دیگری بیان دارند، در نتیجه، طرف مقابل، نسبت به انجام آن شرط متعهد خواهد بود. مثلاً «زن، در حین عقد، شرط می نماید که شهر تهران به عنوان «محل مسکونی» باشد و یا اینکه، مرد، شرط می نماید که اگر زن تمایل به کار بیرون از خانه دارد، فقط بایستی شغل معلمی را اختیار نماید».

گفتار چهارم: نامشروع بودن شرط عقد نفقه و الزام قانونی داشتن نفقه

در یک تقسیم بندی، اقسام شرط عبارت است از: ۱- شرط صحیح، ۲- شرط باطل، «شرط باطل» نیز دو قسم است، الف- شرط باطل و مبطل که موارد آن در ماده ۱۲۳۳ قانون مدنی آمده است. ب- شرط باطل و غیر مبطل، یکی از اقسام «شرط باطل غیر مبطل» شرط نامشروع است که اصل شرط، باطل است، اگر چه به خود عقد خللی وارد نمی‌سازد. برای «شرط نامشروع»، موارد و مثال هایی برشمرده‌اند که از جمله آنها، شرط عدم نفقه است. به نظر برخی از حقوقدانان «شرط عدم نفقه» شرط باطل است، ولی عقد را باطل نمی‌کند. (گلدوزیان، ۳۰۰: ۱۳۸۳). به نظر عده‌ای از حقوقدانان، نفقه دارای یک «الزام قانونی» است. همان طور که این حق به مرد داده شده که «ریاست خانواده» را به عهده داشته باشد، در مقابل، این تکلیف نیز برای او وجود دارد که نفقه و مخارج زندگی همسر خود را نیز بپردازد. انسانها، بر اساس آزادی اراده خود، معامله‌ای برقرار ساخته و یا قراردادی را منعقد می‌سازند. اگر چه در اصل تحقق ازدواج باید طرفین، دارای اراده آزاد باشند و چنانچه اجباری وجود داشته باشد «عقد ازدواج» منعقد نمی‌شود، ولی، نمی‌توانند در مورد «عدم نفقه» توافق داشته باشند. به عبارت دیگر، در حوزه «نفقه» قرارداد طرفین راه ندارد، بلکه، به محض وقوع «عقد ازدواج» و ایجاد رابطه زوجیت «تمکین بر زن و نفقه» بر مرد واجب می‌گردد. در نکاح دائم، این وظیفه مرد، ناشی از حکم قانون است و ریشه قراردادی ندارد» و به همین دلیل، نیز طرفین نمی‌توانند ضمن عقد نکاح یا پس از آن تکلیف مرد را در این باب ساقط کنند. ولی در عقد منقطع، دین شوهر بر دادن نفقه متکی بر تراضی زن و شوهر است یعنی، شوهر، در صورتی نفقه زن را می‌پردازد که یا به صراحت شرط شده یا عقد مبنی بر آن جاری شده باشد (ماده ۴۱۱۳ قانون مدنی). در هر حال، نفقه زن در زمره دیون مرد است و نه تنها، نفقه زمان گذشته را می‌توان از او خواست، زن حق دارد که از دادگاه بخواهد که مقدار نفقه آینده او را معین و مرد را به پرداختن آن محکوم کند.

گفتار پنجم: لزوم نفقه به دلیل نظم عمومی و آثار نفقه بر عقد دائم

تعدادی از حقوقدانان به دلیل «نظم عمومی» پرداخت نفقه را بر مرد لازم می‌دانند. بدین معنی، که «نظم عمومی» فوق تمام قراردادهای خصوصی قرار دارد، به گونه‌ای، که در تعارض بین این دو، «نظم عمومی» مقدم است. به عبارت دیگر، در انعقاد قراردادهای خصوصی، باید «نظم عمومی» مورد توجه باشد. «تکلیف مربوط به انفاق بین خویشان زن و شوهر نیز از قواعد مربوطه به «نظم عمومی» است و حق نفقه خواستن، با قرارداد ساقط نمی‌شود، ولی، عقدی که مقدار نفقه و ترتیب تادیه آن را معین می‌کند نافذ است همچنین زن می‌تواند شوهر را از نفقه گذشته خود ابراء کند». هر عقد و قراردادی، دارای شرائط و آثاری است. شرایط، برای تحقق اصل عقد ضروری است و پس از ایجاد عقد، آثار، بر آن مترتب می‌باشد. در این میان، آثار صریح و روشن از اهمیت بیشتری برخوردار است، حتی اگر طرفین متوجه این آثار نباشند، ملزم به رعایت آن می‌باشند. به عقیده عده‌ای «نفقه» از آثار جدا نشدنی عقد است. «در نکاح دائم، همین که عقد واقع شد، شوهر به حکم قانون ملزم به دادن نفقه می‌شود (مفاد ماده ۱۱۰۲ قانون مدنی ۹». در نکاح منقطع، زوجیت با انفاق ملازمه ندارد و قانون به مناسبت نکاح، شوهر را به دادن نفقه ملزم نمی‌کند (ماده ۱۱۱۳ قانون مدنی).

گفتار ششم: رژیم مالی زوجین در حقوق ایران

ترتیب اموال زوجین در حقوق ایران از زمان تدوین قانون مدنی در سال ۱۳۰۷، از یک ثبات نسبی برخوردار بوده است. ریشه مذهبی و الهی قواعد حاکم به عنوان بستری عدالت گستر در روابط بین زن و شوهر را باید علت این ثبات دانست؛ همان طور که خداوند متعال می‌فرماید: «لهن مثل الذی علیهن بالمعروف» (بقره، ۲۲۸). حقوقی که برای زنان مقرر شده برابر با تکالیفی است که بر عهده وی گذاشته شده است. فلسفه این امر بسیار روشن می‌باشد، زیرا اسلام به جای تشابه سازی به «اصل عدالت» توجه نموده است، «اصل عدل یکی از ارکان کلام و فقه اسلامی، همان اصلی است که قانون تطابق عقل و شرع را در اسلام به وجود آورده است. علما اسلام علاوه بر پایه‌گذاری قوانین اسلامی بر اساس عدالت، بر این باورند که زوجین اجازه ندارند توافقی نمایند که منجر به بی‌عدالتی شود. (مطهری، ۱۵۵: ۱۳۷۴).

گفتار هفتم: تعریف استقلال مالی زوجین و قاعده تسلیط

استقلال مالی به این معنا است که زوجین پس از ازدواج هر یک، از دارائی جداگانه برخوردارند؛ اموال زن و مرد دارائی مشترکی را تشکیل نمی‌دهند و زن پس از عقد نکاح در اداره، تنظیم و تصرف اموال و دارائی‌ها یا اموال مکتسبه در دوران زناشویی استقلال کامل دارد و می‌تواند هرگونه تصرف مادی و حقوقی نسبت به آن داشته باشد. ریاست شوهر بر خانواده دخالت وی در اموال زوجه را تجویز نمی‌کند و پس از انحلال نکاح هم هیچ‌گونه دارائی مشترکی آن‌گونه که امروزه در حقوق کشورهای غربی مرسوم است، به وجود نخواهد آورد. اگر اختلاطی در اموال زن و مرد به وجود آید؛ در صورت عدم امکان اثبات مالکیت از طرف هر یک از زوجین، باید همانند اموال مشاع قهری بین آنها تقسیم شود. (حبیبی تبار، ۶۹: ۱۳۸۰). به طور صریح در ماده ۱۱۱۸ قانون مدنی بیان شده: «زن مستقلاً می‌تواند در دارائی خود هر تصرفی را که می‌خواهد بکند». این در حالی است که در حقوق کشورهای اروپایی از جمله فرانسه حتی در رژیم‌های افتراقی (جدائی اموال) تا قبل از قانون ۱۹۶۵م، اداره اموال فقط با شوهر بود و زن علی‌رغم مالکیت بر اموال خود، بدون رضایت شوهر، حق تصرف در آن را نداشت. قاعده «الناس مسلطون علی اموالهم» که به قاعده «تسلیط» معروف گشته است، از قواعد پذیرفته شده، نزد فقهای شیعه می‌باشد و در فقه بسیار بدان استناد می‌شود (حر عاملی، ۴۴۹: ۱۴۰۷).

گفتار هشتم: اشتراک مالی زوجین در حقوق ایران

در مورد استقلال مالی زن از شوهر در حقوق ایران جای هیچ ابهامی نیست. اما این سؤال می‌تواند، مطرح شود که آیا توافق زوجین امکان اشتراک مالی آنها را فراهم می‌آورد؟ چنانکه «شرط انتقال تا نصف دارائی» مصوبه شورای عالی قضایی مندرج در قباله نکاح، چنین شائبه‌ای را به ذهن می‌رساند و برخی از حقوقدانان آن را با عنوان «شرط اشتراک در دارائی» مطرح نمودند (کاتوزیان، ۱۳۷۸، ص ۴) حتی اگر به دلیل اشکالاتی که در این شرط مطرح است آن را نپذیرفته؛ یا مدعی شده که قواعد حاکم بر روابط زوجین از قوانین امری است و تفسیر آن با توافق طرفین در نکاح دائم ممکن نیست، می‌توان این سوال را در نکاح منقطع مطرح نمود. زیرا در نکاح منقطع توافق طرفین است که در روابط مالی زوجین، به غیر از مهر اعم از ارث، نفقه و ... نقش ایفا می‌کند. همان‌طور که با توافق زوجین، ارث و نفقه استقرار پیدا می‌کند. آیا می‌توان با توافق زوجین و با استعانت از ماده ۱۰ قانون مدنی چنین رژیمی را حاکم نمود؟ ظاهراً باید به چنین سوالی به دلیل تعارض آن با فقه شیعه، پاسخ منفی داد؛ زیرا اسباب اشتراک یا شرکت در فقه شیعه، مشخص است و در خارج از این چارچوب نمی‌توان شرکتی را تأسیس نمود. شرکت در قانون، اختیاری یا قهری است. شرکت اختیاری عبارت است از:

(الف)- شرکت ناشی از عقد یا قرارداد مانند اینکه دو نفر با هم خانه‌ای را بخرند که در این صورت مشاعاً مالک آن خواهند شد.

(ب)- شرکت از طریق مزج اختیاری اموال باشد.

(ج)- کسب مال بواسطه انجام عملی که چند نفر با هم انجام می‌دهند که در این صورت مشاعاً مالک آن خواهند شد. این موارد از اقسام شرکت اموال است. شرکت در فقه عبارت است از: شرکت اموال (شرکه العنان)؛ شرکت اعمال؛ شرکت مفوضه و شرکت اعتبار (شرکه الوجوه). از چهار مورد فوق، فقط شرکت اموال صحیح و بقیه شرکت‌ها باطل قلمداد شده است. تنها یکی از مصادیق شرکت اعمال و آن هم موردی که به تبع شرکت اموال به وجود می‌آید که برابر آن چند نفر به طور مشترک عملی را انجام دهند و در اثر آن مالی به دست آورند، (شهید ثانی، ۱۴۲۶ صص ۲۷۶-۲۷۴) صحیح شمرده شده است. در نتیجه از سه مورد شرکت اختیاری مذکور در ماده ۷۵۳ قانون مدنی دو مورد اول آن شرکت اموال است و مورد سوم آن نیز همان استثنای شرکت اعمال است و خارج از این حدود هر شرکتی که داخل شرکت اعمال، مفوضه یا اعتبار باشد، از نظر فقه شیعه باطل خواهد بود.

بنابراین در فرض مذکور هرگاه هر یک از زوجین به طور مستقل کاری انجام دهند و درآمد کسب نمایند و توافق کنند که درآمدهای آنها مشترک شود و شرکتی را به وجود آورند، قطعاً باطل خواهد بود چرا که داخل در شرکت مفوضه یا شرکت اعمال می شود که از نظر فقه شیعه پذیرفته نمی باشد. البته در مورد زوج هایی که شغل مشترکی دارند؛ مانند موردی که به اتفاق هم کشاورزی می کنند، می توانند درآمدهای مشترک داشته باشند و شرکتی را به وجود آورند؛ اما این مورد، خارج از موضوع بحث تأسیس رژیم اشتراک اموال به وسیله توافق زوجین می باشد و عنوان خاص خود را دارد. از این روی پذیرش رژیم اشتراک اموال آنچنانکه در کشورهای غربی مرسوم است در عقد دائم و عقد منقطع، برابر مبانی مسلم نظام حقوقی اسلام و سیستم حقوقی کشورمان ممکن نیست. یکی از حقوقدانان در این باره می نویسد:

«آوردن مضمون این شرط در قباله های نکاح، دلیل بر نفوذ آن در حقوق کنونی نیست؛ تقلیدی ناشیانه از فرهنگ غربی است و به نظر می رسد وسایل نزاع در خانواده ها فراهم می شود. هیچ کس منکر ضرورت حمایت از حقوق زن در دارایی خانواده نیست. ولی این حمایت باید به گونه ای انجام گیرد که با عادات و رسوم و بافت اجتماعی جامعه سازگار باشد و مفسده ای به بار نیاورد. اشتراک دارایی زاده تاریخ حقوق و شیوه زندگی در خانواده های غربی است و دشواری های گوناگون حقوقی و اجتماعی درباره اداره و تصفیه این شرکت پیچیده به بار می آورد. نگاهی گذرا به حقوق خانواده در فرانسه نشان می دهد که اشکال مربوط به دارایی خانواده و تصفیه آن از جمیع مسائل مربوط به نکاح و طلاق و سرپرستی کودکان بیشتر است؛ مشکلی که تاکنون فارغ از آن بوده ایم و با پیش بینی شرط اشتراک در قباله ها به استقبال آن می رویم تا همرنگ جماعت باشیم» (کاتوزیان، ۱۳۷۸، ص ۵)

گفتار نهم: عیب و تلف مهریه و مالکیت زن بر مهر و ضمانت اجرای آن

ماده ۱۰۸۴ ق.م.ا.حکام عیب و تلف مهر را به شرح زیر بیان می دارد:

اول- معیوب بودن مهر در زمان عقد

مسأله حقوق هرگاه بعد از عقد معلوم گردد که مهر در زمان عقد معیوب بوده، شوهر ضامن عیب است. یعنی زن می تواند مهر را فسخ کرده، مثل یا قیمت آن را دریافت کند یا مهر را نگه داشته، ارش آن را طلب کند.

دوم- معیوب شدن مهر پس از عقد و قبل از تسلیم

نظر مشهور فقهای امامیه این است که زن می تواند فقط ارش بگیرد زیرا اصل، لزوم مالکیت زن نسبت به مهر است و شوهر به اقتضای قاعده ضمان ید، نسبت به عیوب قبل از تسلیم ضامن است.

سوم- تلف مهر پس از عقد و قبل از تسلیم

عقیده فقهای امامیه بر این است که در صورت تلف مهر قبل از تسلیم، مثل یا قیمت آن بر عهده شوهر است و ضمان شوهر در این مورد مانند ضمان عاریه گیرنده در رعاریه مضمونه است که اصطلاحاً آن را ضمان ید گویند. این نظر مورد قبول قانونگذار ایران در ماده ۱۰۸۴ ق.م.ا.ح.م. واقع شده است (صفائی، ۱۳۷۹، ص ۱۵۷).

مالکیت زن بر مهر و ضمانت اجرای آن

طبق م ۱۰۸۲ ق.م.ا.ح.م. ، به مجرد عقد، زن مالک مهر می شود و... نحوه محاسبه و پرداخت مهریه وجه رایج به قیمت روز: به موجب ماده ۲ آیین نامه اجرایی قانون الحاق یک تبصره به م ۱۰۸۲ ق.م.ا.ح.م. قانونگذار در مورد محاسبه مهریه فرمولی تعیین نموده به این ترتیب که متوسط شاخص بها در سال قبل (پرداخت مهریه) تقسیم بر متوسط شاخص بها در سال وقوع عقد ضربدر

مهریه مندرج در عقدنامه می‌شود. راجع به ضمانت اجراء، زن حق دارد که تا مهر خود را دریافت نکند از تمکین خودداری کند. مشروط بر این که مهر حال بوده و زن با اختیار خود تمکین نکرده باشد این حق معروف به حق حبس است.

گفتار دهم: عدم تعیین مهر در عقد ازدواج و شرط ضمن عقد و شرط بعد از عقد

موارد عدم تعیین مهر با توجه به مواد قانونی به یکی از صور زیر می باشد:

- ذکر نشدن مهر در عقد نکاح.
- شرط عدم مهر در نکاح.
- واگذار شدن تعیین مهر به یکی از زن و شوهر یا شخص ثالث. (امامی، ۱۳۶۸: ص ۲۷۳).

شرط ضمن عقد

فرض شود بین دو نفر عقد ازدواج صورت می گیرد. طرفین این عقد می توانند افزایش مهریه را ضمن این عقد شرط کنند و به صورت شرط قرار دهند. مشهور است که می گویند شروط ضمن عقد جائز لازم الوفاء نیست نیز همین است که مشروط علیه می تواند ضمن فسخ عقد اصلی از انجام شروط ضمن آن نیز امتناع نماید و الا تا زمانی که عقد اصلی پا برجاست شروط ضمن آن نیز لازم الاتباع است. (کاظم یزدی، ۱۳۳۰ ص ۱۲۸ و ۱۲۹).

شروط بعد از عقد

هرگاه طرفین عقد پس از انعقاد عقد، بر سر شروطی در مورد عقد منعقد شده با یکدیگر توافق کنند، این گونه شروط را «شروط الحاقی» می گویند که منظور، شروطی است که در حین انعقاد عقد در اراده طرفین جایگاهی نداشته، ولی پس از عقد، طرفین می خواهند التزام به آن را به عقد بپیوندند؛ مثل اینکه پس از انعقاد عقد بیع، متبایعین توافق کنند که با بیع، مبیع را در مکان یا زمان معینی تحویل دهد. نیز ممکن است گفته شود که چون عقد پایان پذیرفته، به هر حال، شرط الحاقی مستقل محسوب می گردد و الزام آن، تابع همان قرارداد مستقل است (داماد، ۲۹۹: ۱۳۹۰).

گفتار یازدهم: شرط خیار در مهر و ضوابط مهر المثل در حقوق ایران

در این خصوص که آیا می توان در مهر شرط خیار قرار داد مشهور فقیهان امامی، شرط خیار در مهر را صحیح می دانند و چنین استدلال می کنند که چون اصولاً در عقد دائم، ذکر مهر لازم نیست و چنانچه در عقدی به کلی مهر ذکر نشود، عقد باطل نیست، بلکه با نزدیکی، مهرالمثل به عهده زوج مستقر می شود. با توجه به عدم لزوم ذکر مهر در نکاح دائم، شرط خیار در مهر صحیح است و اشکالی به وجود نمی آورد و مشمول عموم قاعده «المؤمنون عند شروطهم» بوده، لازم الوفا خواهد بود. (صفایی و دیگران، ۱۳۸۴، ص ۲۱۳).

ضوابط مهر المثل در حقوق ایران

مهریه یکی از حقوق زنان است که طبق قانون و شرع از همان لحظه عقد بین زن و مرد ایجاد می‌شود، زن می‌تواند آن را از شوهر خود بخواهد اما طبق روال رایج زن در هنگام وقوع طلاق می‌تواند مهریه خود را دریافت دارد و با درخواست مهریه این نظر به اثبات می‌رسد که او قصد طلاق دارد. دریافت مهریه به دو صورت است: (کاتوزیان، ۱۳۷۵، ص ۱۳۵).

(۱) به صورت دادن دادخواست به دادگاه

(۲) دریافت مهریه از طریق اداره ثبت.

دریافت مهریه از طریق ثبت، یکی دیگر از روش‌های دریافت مهریه از سوی زن در صورت رسمی بودن عقدنامه است. دفتر رسمی تنظیم‌کننده سند ازدواج شایستگی اقدام جهت صدور برگه می‌کند که در آن دستور اجرا نوشته شده (که اصطلاحاً به آن اجرائیه می‌گویند)، نسبت به مهریه مورد درخواست زن را دارد و برابر آن زن با رفتن به دفترخانه‌ای که ازدواج در آن ثبت شده، تقاضای دریافت مهریه خود را می‌کند و به دنبال آن دفترخانه به شوهر اطلاع می‌دهد که همسر او تقاضای اجرای بندهای سند ازدواج خود را دارد و چنانچه شوهر حاضر به پرداخت مهریه نباشد زن می‌تواند مالی از شوهر را برای بازداشت معرفی کند و باید برابر قانون جزو لوازمی نباشد که توقیف آن‌ها ممنوع است که اصطلاحاً به این اموال مستثنیات دین می‌گویند مال معرفی شده از طریق اجرای ثبت به نفع زن توقیف می‌شود و چنانچه شوهر فاقد مال بوده و یا کارمند یکی از ادارات دولتی و یا شرکت‌های خصوصی باشد به تقاضای زن یک سوم از حقوق وی تا پرداخت کل مهریه به نفع زن توقیف می‌شود و در صورتی که مهریه جزو اموالی که قابلیت انتقال را دارند، باشد (اموال منقول) مانند سکه و زیورآلات و... تقاضای صادر کردن اجرای مهریه باید به همان سردفتر رسمی ازدواج تسلیم شود و در صورتی که مهریه قابلیت انتقال نداشته باشد (غیرمنقول)، درخواست صادر کردن اجرای مهریه باید به سردفتر اسناد رسمی که ملک در آن به ثبت رسیده باشد، ارایه شود. (ابوالحسنی، ۱۳۸۵، ص ۶۶). زمانی که زن تقاضای اجرای مهریه خود را می‌دهد سردفتر ثبت، با بررسی مدارک و وقتی که در صادر کردن برگه اجرای مهریه هیچ مشکلی نبیند، رونوشت سند ازدواج را در سه نسخه تهیه کرده و پس از امضا و مهر، موضوع را به اطلاع شوهر می‌رساند و در صورت معرفی مال قابل انتقال (منقول) از سوی زن و تقاضای توقیف آن، دستور بازداشت مال مورد نظر صادر و پس از امضا تحویل مامور اجرا می‌شود. اما برای توقیف مال غیرقابل انتقال (غیرمنقول)، پس از معرفی مال از سوی زن دستور توقیف آن صادر می‌شود که در هر دو مورد در صورتی که مرد نتواند مهریه را به زن پرداخت کند مال توقیف شده در یک حراجی به فروش می‌رسد. از آنجایی که مهریه جنبه مالی دارد، درخواست اجرای مهریه در اداره ثبت نیازمند به پرداخت هزینه است و هرگاه زن و شوهر خارج از اداره ثبت آشتی کنند و یا با هم قراری بگذارند که مهریه به صورت قسطی پرداخت شود و یا به یکدیگر مهلت دهند و یا این که به مدت یک سال موضوع را پیگیری نکنند هم زن و هم مرد هر دو با هم مسؤلیت پرداخت هزینه دادرسی را باید برعهده بگیرند و اگر یکی از آن‌ها هزینه راپردازد می‌تواند برای دریافت اضافه آن به طرف دیگر مراجعه کند. با توجه به بالا بودن هزینه دادرسی نسبت به مهریه‌های کلان و ناتوانی بسیاری از زنان در پرداخت آن قانون‌گذار راه حل اعلام ناتوانی مالی در پرداخت هزینه دادرسی (اعسار) را پیش‌بینی کرده است ادعای ناتوانی مالی ممکن است در هنگام درخواست نخستین یا تجدیدنظر یا فرجام خواهی و یا به موجب دادخواست جداگانه‌ای مطرح شود. (محقق داماد، ۱۳۸۶ : ۲۸-۲۷)

در ماده‌ی ۲ آئین‌نامه اجرائی قانون یاد شده، نحوه‌ی محاسبه‌ی تعدیل، مقرر شده است: «متوسط شاخص بها در سال قبل از زمان تادیه تقسیم بر متوسط شاخص بها در سال وقوع عقد ضرب در مهریه‌ی مندرج در عقدنامه به عبارتی: شاخص قیمت در سال قبل از زمان تادیه.

گفتار دوازدهم: محل مراجعه جهت طرح دعوی

۱- دادگاه خانواده

زوجهمی-تواند با ارائه دادخواست حقوقی به دادگاه ویژه خانواده، مهریه خود، هزینه ابطال تمبر و حق-الوکاله وکیل را مطالبه نماید و همزمان تقاضای توقیف اموال همسرش را نیز بنماید.

۲- مطالبه مهریه از طریق اجرای ثبت اسناد رسمی: زن می‌تواند از طریق اجرای ثبت اسناد رسمی مهریه خود را مطالبه نماید، و مهریه خود را مطالبه کند. صلاحیت محلی دادگاه: اگر مهر مال منقول باشد- اعم از وجه نقد یا عین معین یا کلی در معین، چون از آثار عقد نکاح است، علاوه بر دادگاه محل اقامت شوهر، دادگاه محل وقوع عقد نکاح ازدواج هم برای رسیدگی به

دعوی مطالبه مهر دارای صلاحیت است. اما اگر مهر مال غیرمنقول باشد، زن می تواند در دادگاه محل وقوع ملک نیز دعوی خود را طرح کند. (محقق داماد، ۴۴: ۱۳۸۶).

نتیجه گیری

قانونگذار تعریفی از مهر ارائه ننموده، فقط در ماده ۱۰۸۲ قانون مدنی آمده است: «به مجرد عقد، زن مالک مهر می شود و می تواند هر نوع تصرفی که بخواهد در آن بنماید». و یکی از مسائل مهم «حقوق خانواده» از نظر اسلام، الزام مرد به دادن نفقه است مگر در صورت عدم تمکین زن که در این صورت زن مستحق نفقه نمی باشد. همانطور که بیان شد خانواده یک اجتماع کوچک و دارای ویژگی خاص خود است چنانچه نظام خانواده مختل و دچار هرج و مرج گردد، بر کل اجتماع تأثیر مستقیم و غیرقابل جبرانی خواهد گذاشت. یکی از امور لازم برای بقای خانواده، تامین مایحتاج زندگی است که پرداخت «نفقه» از سوی مرد، نقش مهمی را ایفا می کند. از اینرو برخی حقوقدانان، نفقه را به دلیل برقراری «نظم خانوادگی» مهم می دانند؛ در آموزه های دینی نیز مهریه و نفقه حقی است شرعی که به محض وقوع عقد، زن مالک آن شده و از مزایای مالی ازدواج محسوب می شود. این موضوع از چنان اهمیتی برخوردار است که پس از مرگ زوجه، ماترک او به حساب آمده و در حیات زن نیز جزء دیون ممتازه مرد محسوب شده و در راس سایر بدهی های مرد قرار می گیرد که با توجه به عندالمطالبه بودن مهریه قبل از پرداخت هر بدهی دیگر و در هر زمان که زوجه اراده کند مرد موظف و مکلف به پرداخت آن است. دلیل آنکه شارع مقدس برای حداکثر مهریه سقفی تعیین نکرده این است که عقد نکاح نوعی معاوضه است و در هر معاوضه ای هر یک از متعاضین اختیار دارند هر مقدار که بخواهند عوض قرار دهند و هر کس می تواند با توجه به عرف زمان خود هر مقدار که بخواهد مهر قرار دهد. بنابراین در نظام حقوقی ایران و طبق مقررات موجود، زن در اهلیت تمتع و استیفا با مرد یکسان است و هیچ گونه تفاوتی بین آنها وجود ندارد.

فهرست منابع

«قرآن کریم»

۱. ابوخلیل، شوقی (۱۳۵۵). اسلام در زندان اتهام، ترجمه‌ی حسن اکبری مرزناک، انتشارات، بعثت، تهران.
۲. امامی، سید حسن، (۱۳۸۳) حقوق مدنی، انتشارات اسلامیة، تهران.
۳. بروجردی عبده، محمد، (۱۳۸۰) حقوق مدنی، انتشارات مجد، تهران، چاپ اول.
۴. بهنام، جمشید (۱۳۵۲). مقدمه بر جامعه‌شناسی ایران، انتشارات خوارزمی، تهران.
۵. جعفری لنگرودی، محمد جعفر، (۱۳۸۴) ترمینولوژی حقوق، انتشارات گنج دانش، تهران، چاپ پانزدهم.
۶. جعفری لنگرودی، محمد جعفر، (۱۳۸۸) رهن و صلح، انتشارات گنج دانش، تهران چاپ چهارم.
۱. جعفری لنگرودی، محمد جعفر، (۱۳۷۶) حقوق خانواده، انتشارات گنج دانش، تهران، چاپ دوم.
۲. حائری شاهیباغ، سید علی، (۱۳۷۶) شرح قانون مدنی، کتابخانه گنج دانش، تهران، چاپ سوم.
۳. حبیبی تبار جواد (۱۳۸۰)، حقوق خانواده، نشر خرم، قم، چاپ اول.
۴. حسینی، سید محمد، (۱۳۸۵) فرهنگ لغات و اصطلاحات فقهی، انتشارات سروش، تهران، چاپ دوم.
۵. حکیم پور، محمد (۱۳۸۲). حقوق زن در کشاکش سنت و تجدد، نغمه نواندیش، تهران.
۶. حمیدی، انور (۱۳۵۳)، قانون مدنی، (دوره کامل)، چاپخانه سپهر، مؤسسه انتشارات، تهران.
۷. حمیدی انور (۱۳۵۳)، قانون مدنی، (دوره کامل)، چاپخانه سپهر، مؤسسه انتشارات امیرکبیر، تهران، چاپ بیست و نهم.
۸. حمیدیان، حسن، (۱۳۹۰) حقوق خانواده، انتشارات دادگستر، تهران، چاپ اول.
۹. دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۷) لغت نامه، انتشارات دانشگاه تهران.

۱۰. دورانت، ویل (۱۳۷۰). تاریخ تمدن، ترجمه‌ی احمد آرام، ع. پاشایی، و امیرحسین آریان پور، انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، تهران.
۱۱. شفق، غلامرضا؛ (۱۳۸۸) مهریه و جهیزیه در اسلام و ایران، قم، دفتر عقل، تهران، چاپ اول.
۱۲. شهید اول، (۱۳۸۳) اللعه الدمشقیه، انتشارات خط سوم، مترجم: حمید مسجد سرائی، تهران، چاپ اول.
۱۳. شهیدی، مهدی، (۱۳۸۷) شروط ضمن عقد، انتشارات مجد، تهران، چاپ دوم.
۱۴. شورای عالی انقلاب فرهنگی، منشور حقوق و مسئولیت‌های زنان در نظام جمهوری اسلامی ایران، مصوب جلسه‌ی ۵۴۶ مورخ ۳۱ / ۶ / ۱۳۸۳.
۱۵. شیروانی علی، (۱۳۸۲) شرح لمعه، موسسه انتشارات دارالعلم، تهران.
۱۶. صدر حسن، (۱۳۸۴) حقوق زن در اسلام و اروپا، انتشارات جاویدان، تهران، چاپ هفتم، به نقل از تحریرالمراء، نوشته قاسم امین بیک.
۱۷. صفایی سید حسین و امامی اسدالله، (۱۳۸۷) حقوق خانواده، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ هشتم.
۱۸. طباطبایی، سیدمحمدحسین: (۱۳۶۳) «تفسیر المیزان»، ترجمه سیدمحمدباقر همدانی، دفتر تبلیغات اسلامی، قم.
۱۹. عدل، مصطفی (۱۳۴۲) حقوق مدنی، موسسه انتشارات امیرکبیر، تهران، چاپ هفتم.
۲۰. علی اکبر، دهخدا، (۱۳۷۷) لغت نامه، انتشارات دانشگاه تهران.
۲۱. عمید، حسن، (۱۳۶۴) فرهنگ فارسی عمید، انتشارات امیر کبیر، تهران، چاپ ششم.
۲۲. عمید، موسی، (۱۳۴۲) هبه وصیت در حقوق مدنی ایران، انتشارات حیدری، تهران، چاپ اول.
۲۳. قاسم‌زاده، سیدمرتضی (۱۳۸۴). «تعدد زوجات» در بررسی تطبیقی حقوق خانواده، دانشگاه تهران.
۲۴. کاتوزیان، ناصر (۱۳۷۸) «حقوق مدنی و خانواده»، انتشارات بهمن برنا، تهران، چ پنجم.
۲۵. کاتوزیان، ناصر، (۱۳۸۵) قانون مدنی در نظم حقوقی کنونی، نشر دادگستر، تهران، چاپ سیزدهم.
۲۶. کاتوزیان، ناصر، (۱۳۸۶) مشارکتها، صلح، انتشارات گنج دانش، تهران، چاپ هفتم.
۲۷. کیائی، عبدالله، (۱۳۸۴) قانون مدنی و فتاوی‌ای امام خمینی، انتشارات سمت، تهران، چاپ اول.
۲۸. گرجی ابوالقاسم، (۱۳۸۴) بررسی تطبیقی حقوق خانواده، انتشارات دانشگاه تهران.
۲۹. محقق داماد، سیدمصطفی، (۱۳۸۷). بررسی فقهی حقوق خانواده، مرکز نشر، علوم اسلامی، تهران.
۳۰. محقق داماد، سیدمصطفی، (۱۳۹۰) نظریه عمومی شروط و التزامات در حقوق اسلامی، انتشارات مرکز نشر علوم اسلامی، تهران، چاپ دوم.
۳۱. محقق داماد، سید مصطفی، (۱۳۸۷) حقوق خانواده نکاح و انحلال آن، مرکز نشر علوم اسلامی، تهران، چاپ پانزدهم.
۳۲. مطهری، مرتضی، (۱۳۵۹) نظام حقوق زن در اسلام، انتشارات صدرا، قم، چاپ نهم.
۳۳. معین، محمد؛ (۱۳۶۲) فرهنگ فارسی، انتشارات امیرکبیر، تهران، چاپ پنجم.
۳۴. مکارم شیرازی، ناصر و دیگران (۱۳۶۶): «تفسیر نمونه»، انتشارات دارالکتاب الاسلامیه، تهران.
۳۵. منوچهریان، مهرانگیز (۱۳۴۲): «وضع حقوقی زن در جهان و طرح قانون خانواده»، انتشارات اتحادیه زنان حقوقدان ایران، تهران.
۳۶. مهر پور حسین (۱۳۸۰)، بررسی میراث زوجه در اسلام و ایران، انتشارات اطلاعات، تهران، چاپ نهم.
۳۷. مهرپور، حسین (۱۳۷۹). مباحثی از حقوق زن، انتشارات اطلاعات، تهران، چاپ ششم.
۳۸. موسوی خمینی، روح الله، (۱۳۸۸) تحریر الوسیله، ترجمه: موسوی همدانی، محمد باقر، انتشارات دارالعلم، تهران، چاپ ششم.

Investigating Women's Economic Rights (Alimony and Dowry) and Couples' Financial Independence in Iran

Mahnaz Dashtian

MA in Family Law, Instructor in PNU, Branch of Rostam

Abstract

As a matter of fact, the family is a small community with its own characteristics. If the family system is faced with disruption and chaos, it will have a direct negative and irreparable impact on the whole community. Preserving the family requires providing the necessities of life, and men's paying "alimony" plays an important role in this respect. This is why some some lawyers consider alimony very important as it is believed that alimony helps establish the "family order". Family is the core of any society upon which order is closely associated with public order. Therefore, persons cannot disturb or disrupt the rules of the family in private agreements, and determine additional different rights and duties for themselves. Dowry is a mandatory payment, in the form of money or possessions paid or promised to pay by the groom to the bride at the time of marriage that legally becomes her property. Dowry is considered a definite financial right of a woman, and it is the woman who can change it after the marriage contract at its sole discretion and at any time without the man's notice and consent, and can give it to anyone who wishes, and the husband has no right to intervene in such possessions of the woman.

Keywords: Couples, Financial Independence, Dowry, Alimony, Women's Rights.
